

درس یازدهم فارسی هشتم پرچم داران

ایران، سرزمینی بزرگ و عزیز و شکوهمند است. سرزمینی که دین و زبان و فرهنگ و جسم و جان من و تو در آن پرورش یافته و اکنون پاره‌ای از پیکره ماست.

اگرچه در طول تاریخ، ستم‌ها و گزندهای فراوانی دیده، اما هرگز ایمان، عزّت و اراده استوار خود را از دست نداده است.

میهنی که در دوران دفاع مقدّس، لحظه‌های تلخ و شیرین بسیاری را به چشم دیده و گرمی خون دلاوران را بر پیکر خود احساس کرده است و شهدای بسیاری را در دل خود جای داده و از گستاخی‌ها و بی‌رحمی‌های دشمن، خون دل‌ها خورده است.

در دوران جنگ تحمیلی، خیل عظیم نوجوانان و جوانان بسیجی و جان برکفان ارتشی و سپاهی، این پهنه خدایی را به بنیانی استوار و سدّی نفوذناپذیر و پایدار در برابر هجوم وحشیانه صدام و حامیان امریکایی او، تبدیل کرد.

در آن ایام که دشمن، از آسمان و زمین، آتش بمب و موشک بر سر مردم بی‌گناه این سرزمین فرو می‌ریخت، ایران سرافراز هرگز رنگ نباخت و برخورد نلرزید و جنب‌وجوش خود را رها نکرد؛ پابرجا ماند و درس پاکی، پایداری و پاسداری را به انسان‌های آزاده و دل‌زنده جهان آموخت.

آری، در دوران دفاع مقدّس، جوانان مؤمن و سربازان شجاع این ملت در برابر تازش دشمن، به لطف پروردگار مهربان، حماسه‌های شگفت‌انگیز آفریدند و پس از پایان جنگ تحمیلی، همت و تلاش همین سربازان سربلند و دلاوران رشید، با علم و دانش و تخصّص و تعهّد درآمیخت، تا حافظ آبروی این سرزمین آسمانی و بیانگر فکر ایرانی باشد.

امروز نوجوانان شاداب و باایمان و جوانان سرزنده و پاک آیین میهن اسلامی، همانند قلل، استوار و پایدارند که مایهٔ عزّت و افتخار نسل‌های امروز و فردایند و سیمای وطن را به زیور و شکوه خلّاقیت و نوآوری می‌آرایند و به لطف خداوند بزرگ در همهٔ عرصه‌ها و میدان‌ها پرچم ایران اسلامی را با سرود سرفرازی و آزادمنشی برخواهند افراشت.

ای وطن، ای دل مرا مأو ای وطن، ای تن مرا مسکن

نکته‌ای گویمت که گر شنوی شاد، مانی به جان و زنده به تن

آدمی را چو هفت مهر به دل نبُود کم شمار از اهریمن:

مهر ناموس و زندگانی و دین عزّت و خاندان و مال و وطن

و آن که حبّ وطن نداشت به دا مرده زان خوبتر به باور من